



Feasibility of Accepting the Crime with Strict Liability in Iranian Penal Policy (With a look at English and Egyptian law)

Mohammad-Ibrahim Shams-E-Natari¹, **Mohammad-Javad Fathi**², **Parviz Naseri**³

1. Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of law, College of Farabi, University of Tehran, Iran, Qom, Email: eshams@ut.ac.ir

2. Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of law, College of Farabi, University of Tehran, Iran, Qom, (Corresponding Author), Email: mailto:mjfathi@ut.ac.ir

3. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Faculty of law, College of Farabi, University of Tehran, Iran, Qom, Email: psaa596695400@gmail.com

Abstract

Strict liability, as a relatively new phenomenon, came into existence in the wake of the increasing threats and potential dangers arising from the use of new industrial products and artifacts. In recent years, many countries have shown a greater willingness to enact crimes with strict liability in order to protect public interests. Despite being aware of the necessity of this criminalization, our legislator based criminal liability arising from the act of another on the assumption of fault in an ambiguous article of the Islamic Penal Code approved in 2013 and without aligning with contemporary legal trends. The research findings show that our laws in the field of the foundations of criminal liability arising from the act of another require fundamental reforms. Some natural and legal persons operate in areas with such potential social risk and, by possessing financial resources, have such power and influence that they ignore the fundamental economic and social rights of citizens and sacrifice their dignified lives for economic interests; therefore, considering higher standards in terms of criminal liability for them is not contrary to the principles of criminal law but also the same as justice. In fact, criminalizing crimes with strict liability can protect the basic fundamental values of society and guarantee the welfare security of citizens.

Keywords: criminal responsibility, strict criminal responsibility, criminal liability arising from an act of another person, physical element, mental element.

Received: 26/04/2025

Revised: 17/06/2025

Accepted: 22/07/2025

How To Cite: Shams-E-Natari, Mohammad-Ibrahim; Fathi, Mohammad-Javad & Naseri, Parviz (2025). Feasibility of Accepting the Crime with Strict Liability in Iranian Penal Policy (With a look at English and Egyptian law), *Criminal Law Doctrines of Islamic Countries*, 2 (4), 89-114. <http://www.doi.org/10.22091/dlic.2025.12640.1066>

Published by: University of Qom © **The Author(s)** **Article type:** Research



امکان سنجی پذیرش جرم با مسئولیت مطلق در سیاست کیفری ایران (با نگاهی به حقوق انگلستان و مصر)

محمد ابراهیم شمس ناتری^۱، محمد جواد فتحی^۲، ناصر پرویزی^۳

۱. استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، ایران، قم، رایانامه: eshams@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، ایران، قم، (نویسنده مسئول)، رایانامه: mjfathi@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، ایران، قم، رایانامه: psaa596695400@gmail.com

چکیده

مسئولیت مطلق به عنوان امری حادث و نسبتاً جدید، در پی تهدیدات روزافزون و خطرات بالقوه ناشی از به کار به کارگیری محصولات و مصنوعات جدید صنعتی پا به عرصه وجود نهاد. در سال‌های اخیر بسیاری از کشورها در راستای حمایت از منافع و مصالح عمومی نسبت به تصویب جرائم با مسئولیت مطلق تمایل بیشتری نشان داده‌اند. قانون‌گذار ما علی‌رغم واقف بودن به ضرورت این جرم‌انگاری، در ماده‌ای پر از ابهام از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بدون همسویی با جریان‌های حقوقی معاصر، مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر را بر فرض تقصیر استوار ساخت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قوانین ما در حوزه مبانی مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر مستلزم اصلاحات اساسی است. برخی از اشخاص حقیقی و حقوقی در قلمروهایی فعالیت می‌کنند که واجد خطر بالقوه اجتماعی قابل توجهی است و به واسطه در اختیار داشتن منابع مالی از آنچنان قدرت و نفوذی برخوردارند که با نادیده گرفتن حقوق بنیادین اقتصادی، اجتماعی شهروندان، حیات کرامت‌مند آن‌ها را در پای منافع اقتصادی قربانی می‌کنند؛ از این رو، در نظر گرفتن معیارهای بالاتری از لحاظ مسئولیت کیفری برای آن‌ها نه تنها برخلاف اصول حقوق جزا نیست، بلکه عین عدالت است. درواقع، جرم‌انگاری جرائم با مسئولیت مطلق، می‌تواند از ارزش‌های اساسی و بنیادین جامعه حمایت و امنیت رفاهی شهروندان را تضمین نماید.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت کیفری، مسئولیت مطلق کیفری، مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر، عنصر مادی، عنصر روانی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱

استناد: شمس ناتری، محمد ابراهیم؛ فتحی، محمد جواد و پرویزی، ناصر (۱۴۰۴). امکان سنجی پذیرش جرم با مسئولیت مطلق در سیاست کیفری ایران (با نگاهی به حقوق انگلستان و مصر)، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۲ (۴)، ۸۹-۱۱۴. <http://www.doi.org/>

10.22091/delic.2025.12640.1066



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

تا نیمهٔ اول قرن نوزدهم، اصل غیرقابل عدول و معمول در محاکم و محافل حقوقی، اصل عنصر روانی و ضرورت احراز آن برای همهٔ جرائم، اعم از کوچک و بزرگ بود. بر این اساس، هیچ رفتاری قابل مجازات نبود، مگر آنکه از یک حالت یا ذهنیت مجرمانه برخاسته باشد. تحولات اجتماعی، صنعتی و پیدایش عرصه‌های جدید فعالیت به همراه تهدیدات روزافزون علیه منافع عمومی و حیاتی جامعه، باعث شد که از نیمهٔ دوم قرن نوزدهم به تدریج طرز تلقی و گرایش تازه‌ای با تأکید بر مصلحت‌گرایی یا اولویت‌بخشی به منافع عمومی، تحت عنوان مسئولیت مطلق کیفری موجودیت و ضرورت خود را تثبیت و تحمیل نماید. این نوع مسئولیت در حوزهٔ حقوق عرفی، به‌ویژه انگلستان و آمریکا، مقارن یکدیگر اتفاق افتاد که خود مبین نوعی عکس‌العمل مدبرانه، نتیجه‌گرایانه و در چهارچوب حرکت مداوم و مستمر جوامع و سامان دادن به نیازهای جدید است. درواقع، هدف از این نوع مسئولیت، وادار کردن مدیران صنایع و کارخانه‌ها به رعایت قوانین ایمنی و تبعیت از ضوابط استاندارد فعالیت حرفه‌ای و همچنین هدف غایی آن پیشگیری از صدمات جبران‌ناپذیر عدول از چنین مقرراتی است که در صورت نقض، دامن بخش کثیری از جامعه را خواهد گرفت. جرائم با مسئولیت مطلق، ساختار جرم را منقلب کرده، آن را بدون عنصر روانی یا با فرض وجود عنصر روانی محقق می‌داند. در این نوع جرائم انتساب عنصر مادی جرم به متهم برای مقصر دانستن و سرزنش وی کافی است. ازاین‌رو، پیروان نظریهٔ تقصیر، این نوع مسئولیت را خلاف عدالت و مصلحت می‌شمارند و می‌گویند مجازات فردی که احتیاطات معقول را معمول داشته و احتمالاً نتوانسته است از وقوع جرم جلوگیری کند از سوی حقوق جزا برخلاف عدالت است. اما علی‌رغم همه این انتقادات، جرائم مبتنی بر مسئولیت مطلق در اکثر نظام‌های حقوقی جرم‌انگاری شده است. مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر نیز در معنای خاص خود بر پایه جرائم با مسئولیت مطلق تعریف می‌گردد. در ابتدای امر عنصر روانی در تحقق جرم و مسئولیت کیفری نقش نداشته است و در حدود آن فرد به صرف رفتار مادی واجد مسئولیت کیفری بوده، در این گونه جرائم فرض بر آن بوده است که فاعل مادی به نمایندگی از مقام بالادست یا کارفرما مرتکب جرم می‌شود، به این مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر، مسئولیت مبتنی بر جرائم مطلق گفته می‌شود. اما مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در معنای عام خود، دایرهٔ شمول گسترده‌تری دارد و به جرائم مستلزم عنصر روانی نیز تسری پیدا می‌کند.

این نوشتار با رویکردی تحلیلی انتقادی نسبت به مبانی مسئولیت کیفری و در راستای حمایت از تمامیت جسمانی افراد در مقابل آسیب‌های ناشی از فعالیت‌های تولیدی و صنعتی و... به امکان‌سنجی پذیرش جرم با مسئولیت مطلق در سیاست کیفری کشورمان می‌پردازد. چالش‌های پیش‌رو در تقابل با مبانی مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر و دغدغه‌ها و نگرانی‌های موجود در راستای تحقق اجرای عدالت، سؤالاتی این‌گونه را مطرح می‌نماید. آیا مسئولیت مطلق در قوانین کیفری ما قابل جرم‌انگاری است؟ چرا قانون‌گذار ما تکلیف دارد در راستای حفظ منافع و مصالح عمومی مسئولیت مطلق را جرم‌انگاری کند؟ در مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر تا چه اندازه می‌توان به مسئولیت مطلق استناد کرد؟ روش تحقیق در این مقاله به صورت تحلیلی توصیفی و از نوع کیفی و روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای است که از منابع مدون شامل قوانین، کتاب‌ها، رساله‌ها، مقالات و درگاه‌های اینترنتی استفاده شده که پس از گردآوری مطالب، به تجزیه و تحلیل این موارد پرداخته شده است.

۱. مفهوم مسئولیت مطلق کیفری

به نظر می‌رسد بعضی نظام‌های تقنینی مانند کامن‌لا به‌طور کامل نتوانسته‌اند تفکیکی بین جرائم با مسئولیت کیفری مبتنی بر تقصیر و جرائم با مسئولیت مطلق ایجاد نمایند. با وجود این، برای مسئولیت مطلق می‌توان دو کاربرد موسع و مضیق در نظر گرفت. مسئولیت مطلق در مفهوم موسع به جرائمی اشاره دارد که در آن‌ها هیچ‌یک از عناصر تشکیل‌دهنده روانی وجود ندارد. مرتکب در این‌گونه جرائم هیچ‌گونه قصدی برای انجام فعل نداشته و بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی نیز از او سر نزده است، ولی به جهت تصویب قانون‌گذار و جرم‌انگاری رفتار مذکور به دلایل مختلف، مرتکب قابل مجازات است. در مفهوم مضیق، مسئولیت مطلق به جرائمی اشاره دارد که با اثبات رکن مادی آن نیازی به اثبات رکن روانی جرم توسط مقام تعقیب نیست یا به عبارتی در اینجا مسئولیت کیفری اعتباری و مفروض تلقی خواهد شد و مجازات بر مرتکب تحمیل خواهد گردید مگر اینکه متهم فقدان رکن معنوی را اثبات کند (جانی پور؛ عباسی، ۱۳۹۲: ۲۷).

به عبارت دیگر، مفهوم جرائم با مسئولیت مطلق، بین دو تقریر مردد است. تقریر نخست، به مقام ثبوت و تحقق واقعی و تقریر دوم، به مقام اثبات باز می‌گردد. در مفهوم ثبوتی جرائم با مسئولیت مطلق، وجود عنصر مادی جرم برای مقصر و مسئول دانستن مرتکب لازم و به تنهایی کافی بوده، وجود عنصر معنوی شرط نیست؛ لذا متهم در این خصوص دفاعی ندارد. اما در مفهوم اثباتی این جرائم، صرف تحقق عنصر مادی برای مسئول

دانستن متهم کافی نبوده، با وجود ضرورت تحقق عنصر معنوی جرم برای مقصر دانستن متهم، فرض بر ارتکاب رفتار مجرمانه از سوی مرتکب همراه با رکن معنوی است؛ اما دادستان نیازی به اثبات آن ندارد. درعین حال، متهم می‌تواند با اثبات عدم تقصیر خود و قصور شاکی، موجبات برائت خود را از مسئولیت فراهم آورد (میلانی و عبدالکریمی، ۱۳۹۴: ۸۳).

۲. مبانی مسئولیت کیفری بدون تقصیر

با توجه به اینکه پیش‌بینی جرائم با مسئولیت مطلق خلاف اصول حقوق جزا است، بایستی در توجیه آن به اصول و مبانی متقن و موجهی استناد نمود. بر همین اساس، در این مبحث مبانی این مسئولیت را به اختصار بررسی می‌نماییم.

۲-۱. اصل ضرر و نظریه ضرورت

از قدیم‌الایام تاکنون رفتارهای ممنوعه به دو صورت جرائم واقعی و غیرواقعی تقسیم شده‌اند. برخلاف جرائم واقعی که از ویژگی ذاتی یا ثباتی برخوردار هستند و به همین جهت نیز «خطاهای ذاتی» نامیده می‌شوند، جرائم غیرواقعی به شدت تابع متغیرهای زمان و مکان هستند. در این گونه جرائم، مصلحت جامعه، بیش از هر مصلحت فردی دیگر مورد توجه می‌باشد. ملاک جرم‌انگاری و مجازات این دسته از جرائم، اضرائی بودن آن‌ها نسبت به مصالحی است که اصطلاحاً «مصلحت عمومی» نامیده می‌شوند. مانند ممنوعیت حمل سلاح، آلودگی محیط‌زیست، تولید و توزیع مواد غذایی ناسالم، سرعت غیرمجاز و مانند آن. با عنایت به اینکه بسیاری از مصادیق قابل تطبیق با تعریف مسئولیت بدون تقصیر، رفتارهای ممنوعه‌ای هستند که صرفاً بر حسب ضرورت و در جهت حمایت از مصلحت عمومی چنین وضعی پیدا کرده‌اند؛ قدر مسلم در جوامع امروزی خطرات و تهدیدهای قابل پیش‌بینی و بالقوه‌ای که در حوزه‌های مختلف زندگی همچون بهداشت، تولید و مصرف، محیط‌زیست، عبور و مرور، ساخت‌وساز و مانند آن، حیات و هستی انسان و جامعه را به‌طور مداوم در معرض خود قرار داده است، امری غیرقابل انکار است. به همین دلیل، برخی از حقوق‌دانان، این باور را مورد تأکید و حمایت قرار داده‌اند که «با توجه به اینکه مسئولیت بدون تقصیر در شرایط خاص رخ داده است»، تنها بر مبنای همان شرایط قابل توجیه است (عبدالهی، ۱۳۸۶: ۲۱۹-۲۲۱).

اصل ضرر نیز شرط لازم برای اصل ضرورت می‌باشد. بنابر اصل ضرورت پاسخ کیفری به هیچ فعل یا ترک فعلی مجاز نیست، مگر آنکه ضرورتی مسلم آن را اقتضا کند. برای سنجش این ضرورت نخستین شرط این است که ارزش مورد حمایت جزء ارزش‌های بسیار مهم جامعه باشد. پس ضرر مورد بحث هر نوع ضرری را شامل نمی‌شود. اصل ضرر در مورد جرم‌انگاری رفتارهای موجب ضرری بحث می‌کند که همه اعضای جامعه در آن دارای منافع مشترکی هستند و کلیت جامعه به طرق مستقیم یا غیرمستقیم از آن تأثیر می‌پذیرد. آنچه باید اساسی تلقی شود به میزان سرزنش عمومی و ضروریات زندگی اجتماعی برمی‌گردد و اساسی بودن منفعت و به تبع آن حق مورد خدشه، باید از درجه‌ای از اهمیت برخوردار باشد که عدم استفاده از حقوق کیفری، نظم و ارکان بنیادین زندگی اجتماعی را دچار چالش و تزلزل کند (خصالی، ۱۳۹۷: ۶۴-۶۵). آیا آلودگی محیط زیست، توزیع مواد غذایی ناسالم، تولید داروی تقلبی، ساخت‌وسازهای غیراستاندارد و... این نظم را دچار چالش و تزلزل نمی‌کند؟ آیا احراز سوءنیت مجرمانه یا سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی فاعلان این اعمال ممکن است؟ آیا علاج واقعه را پیش از وقوع باید کرد یا پس از وقوع؟ اگر مرتکبان این افعال بدانند که حتی در صورت سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی، در قانون مسئولیت مطلق کیفری برایشان در نظر گرفته شده و عواقب و مجازات‌های سنگینی را باید تحمل کنند، باز هم به خاطر منفعت‌طلبی خود زندگی مردم را به ورطه نابودی می‌کشانند؟ (خصالی، ۱۳۹۷: ۴۵-۴۶).

۲-۲. نظریه خطر

در حقوق کیفری، مسئولیت مبتنی بر خطر شکل توسعه یافته مسئولیت مدنی کارفرمایان در قبال اعمال خسارت‌بار کارگران‌شان می‌باشد و برابر این دکترین کارفرمایان در قبال کلیه جرائم عمدی کارکنان و زیردستان خویش مسئولیت کیفری نیابتی دارند، زیرا وقتی کارفرما در یک جامعه شرکتی را تأسیس می‌کند که ریسک و خطری را به همراه دارد، چنانچه این ریسک یا خطر حتی با تلاش متعارف و معقول کارفرما، موجب صدمه به اعضای جامعه گردد این منصفانه خواهد بود که پیامدهای کیفری ناشی از این ریسک را متحمل شود. مسئولیت نیابتی مبتنی بر ریسک اساساً تأکید دارد که کارفرما با به‌کاربردن کارگیری مستخدم، بعضی از رفتارهای خطرآفرین را متظاهر می‌سازد. به عبارت دیگر قانون توجه و مسئولیت، خود فعالیت بوده و مؤسسه یا شرکت نه تنها به خاطر استخدام شخص خطاکار بلکه به واسطه ایجاد ریسک ذاتی مسئولیت نیابتی خواهد داشت (رنجبر، ۱۳۹۵: ۱۴۰).

می‌توان گفت، در مواردی که شخص به فعالیت مشروعی دست زده و بی‌آنکه تقصیری کرده باشد، به دیگری خسارت زده است، زیان دیده و او هر دو بی‌گناه هستند. خسارتی که به بار آمده است باید به یکی از آن دو تحمیل

شود. اتفاق زیان‌دیده را برگزیده است، ولی حقوق باید این بی‌عدالتی را جبران کند. زیرا کسی که به فعالیت پرداخته است تا از آن سود ببرد از کسی که هیچ نکرده و نفعی نبرده است برای تحمل ضرر شایسته‌تر است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۴).

۲-۳. اصل رفاه

با بررسی و تتبع در آثار حقوق‌دانان انگلیسی، به نظر می‌رسد ظهور «اصل رفاه» به‌عنوان مبنای جرم‌انگاری، نه‌تنها ریشه در سیاست «رفاه اجتماعی» و شکل‌گیری «دولت رفاه» دارد، بلکه متأثر از آن نیز تطور مفهومی و محتوایی پیدا کرده است. از آنجاکه یکی از ایرادات وارده بر اصل استقلال فردی، عدم وجود شرایط یکسان و برابر همه افراد جامعه در جهت اعمال چنین اصلی است، بنابراین برخی با حفظ مشی فردگرایانه خود، تأکید دارند که دولت باید شرایط اجتماعی لازم را به‌منظور اجرای کامل اصل مزبور در مورد همه شهروندان فراهم کند. اما عده‌ای فراتر رفته و در چهارچوب «تمرکز بر اهداف جمعی» و تغییر رویکرد، اصل رفاه را به‌عنوان نظام «تأمین نیازهای (مصالح) اساسی افراد از قبیل امنیت، بهداشت و کارایی آن‌ها به‌منظور نیل به برنامه مورد نظر در زندگی خود» توصیف کرده‌اند.

آنچه مسلم است این است که «تأمین امنیت و کاهش خطرات جمعی» از مهم‌ترین دغدغه‌ها و انگیزه‌هایی است که در رویکرد جمع‌گرای رفاه مورد توجه بوده است و همین منشأ پیدایش و شکل‌گیری سیاست‌ها و مصوبات کیفری نوینی شده است. به اعتقاد حقوق‌دانان، الگوی رفاه‌گرا دارای دو ویژگی اختصاصی است: اولاً ضمانت اجرای کیفری خاصیت سزا دهنده ندارد و مسئله و کارکرد مهم‌تر، بازداشتن افراد از فعالیت‌هایی است که مانع توزیع عادلانه فرصت‌ها و مضر به منافع بنیادی هستند. به عبارت دیگر، در الگوی فردی «استحقاق» مجرم تحمیل مجازات علیه او را موجه می‌سازد، یعنی در ارزیابی مسئولیت کیفری شخص، علاوه بر نوع جرم و آثار و نتایج مترتب بر آن، بازتاب اخلاقی رفتار مجرمانه نیز مد نظر قرار می‌گیرد. در حالی که رویکرد رفاه‌گرا با نظر به آینده و نه صرفاً نفی گذشته، به دنبال تأمین اهداف و کارکردهایی است که با ارتکاب جرم ضرورت آن آشکارتر شده است، از جمله کاهش خطرات جرم و صدمات زیان‌بار نسبت به عموم افراد جامعه؛ ثانیاً احراز و ارزیابی ذهنیت مجرمانه مرتکب دارای اهمیت نیست، اگرچه در الگوی فردگرا، در بررسی و تعیین استحقاق مرتکب، عنصر روانی یکی از شاخص‌های اساسی است، اما در مقابل، رویکرد رفاه‌مدار چنین اهمیتی را برای عنصر روانی قائل نیست و حتی اصرار بر آن را مغایر و مانع فلسفه نتیجه‌گرایانه‌ای که بر آن تأکید دارد، می‌داند (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۱۸۶ - ۱۸۸).

۳. مسئولیت مطلق در حقوق کیفری ایران

در حقوق کیفری ایران، مسئولیت بدون تقصیر امری کاملاً غریب و غیر نهادینه است و حداکثر چیزی که از تعابیر حقوق‌دانان و تصمیمات محدود قضایی استنباط می‌شود، این است که این مسئولیت را به‌طور موردی و با قلمروی مصداقی و محتوایی مبهم مطمع نظر قرار داشته‌اند. طبق دیدگاه بعضی از حقوق‌دانان، در مقررات کیفری قبل از انقلاب، یکی از زمینه‌های مهم و محسوس مسئولیت کیفری بدون تقصیر، جرائم خلافی بود. به عبارت دیگر، حقوق‌دانان در تقسیم‌بندی جرائم از حیث نوع و نقش عنصر روانی، آن‌ها را به سه دسته جرائم عمدی، خطایی و مادی تقسیم و تفکیک نموده‌اند و جرائم خلافی را به عنوان جرائم مادی تلقی کرده‌اند. از این دیدگاه، جرائم مادی، جرائمی هستند که به صرف تحقق اراده انسانی و بدون در نظر گرفتن قصد مجرمانه تشکیل می‌شوند (ابوالحسنی، ۱۳۹۶: ۴۴). در پاسخ باید گفت؛ هرچند هرچند در جرائم مادی صرف، احراز تقصیر یا عنصر روانی ضرورت ندارد. اما عدم ضرورت احراز تقصیر به معنای نفی یا نادیده گرفتن شرط تقصیر نیست، بلکه با وجود احراز رفتار ممنوعه و ناقض قانون، چنین شرطی مفروض تلقی می‌شود که این فرض نیز عمدتاً به صورت یک فرض قابل رد تفسیر گردیده است. به این ترتیب، از دیدگاه حقوق‌دانان ایران، جرائم مادی صرف و نمونه غالب آن، یعنی جرائم خلافی، ماهیتاً جرائم تقصیری هستند که صرفاً بار اثبات تقصیر از مقامات مسئول تعقیب برداشته شده است (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

بعضی حقوق‌دانان معتقدند، برخلاف کشورهایمانند انگلستان و آمریکا که در حقوق آن‌ها نص قانونی برای پذیرش جرائم با مسئولیت مطلق وجود دارد، در حقوق کیفری ایران نمی‌توان وجود چنین جرائمی را به رسمیت شناخت، زیرا هیچ حکم و مقرر قانونی در مورد چنین جرائمی وجود ندارد (آشوری؛ لشکری، ۱۴۰۰: ۲۸-۲۷). اما نگارنده معتقد است که در بعضی از قوانین ما به صورت تلویحی و پراکنده به مسئولیت مطلق اشاره شده است:

۱. قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی (مصوب ۲۲ تیرماه ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی) در تهیه و عرضه مواد مذکور افعالی نظیر مخلوط کردن مواد خارجی، فروش جنس فاسد و ... را جرم شناخته است و «علم و اطلاع» مدیر یا صاحب مؤسسه یا کارگاه نسبت به جرائم مذکور را که به مباشرت غیر ارتکاب یافته، کافی برای توجه مسئولیت کیفری به مدیران دانسته و همان مجازاتی را که برای مباشر عمل پیش‌بینی کرده در حق آنان نیز جایز شمرده است (تبصره ۲ ماده ۳ قانون مذکور) (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۱۳۷). با در نظر گرفتن ماهیت رفتار

مجرمانه در قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ می‌توان گفت، چون هدف قانون‌گذار از تصویب این قانون، حمایت از منافع و مصالح عمومی بوده، مسئولیت مدیر یا صاحب مؤسسه یا کارگاه یک نوع مسئولیت مطلق می‌باشد. همچنین با توجه به متن ماده، مسئولیت اشخاص فوق نسبت به جرائمی که به مباشرت غیر ارتکاب یافته، به صورت عمدی نیز قابل تصور است.

با رجوع به سوابق قضایی در نظام کیفری انگلستان و تأمل در آن‌ها، نیز این نکته فهمیده می‌شود که معیار «ماهیت جرم» اساسی‌ترین معیار شناسایی جرائم بدون تقصیر است. زیرا به نظر قضات و حقوق‌دانان انگلیسی، بسیاری از مصادیق جرائم بدون تقصیر در مقایسه با جرائم سنتی، ماهیت متفاوت و عمدتاً رفاهی و مصلحت‌گرایانه‌ای دارند. درواقع، مقصود قانون‌گذار از ایجاد جرائم بدون تقصیر، پاسخ‌گویی به نیازهای عمومی ناشی از تحولات گسترده و همچنین خطرناک صنعتی و اقتصادی در زندگی معاصر بوده است. بنابراین، پر واضح است که ازجمله عوامل مؤثر و قابل اعتماد در جهت نیل به مقصود قانون‌گذار، رجوع و تفحص در ماهیت و غایت رفتار مجرمانه است (عبدلهی، ۱۳۸۶: ۳۳۰).

در نظام کیفری ایران صرف‌نظر از کثرت مقررات کیفری رفاهی و ناظر بر مصالح عمومی به نظر می‌رسد که هیچ مانع اصولی برای توسل به معیار مزبور وجود نداشته باشد. زیرا مضافاً به اینکه در حال حاضر قاعده «تعزیر» به‌ویژه در حدود منافع عامه چنین اقتضایی را می‌تواند داشته باشد، به‌عنوان نمونه، نظریه دادستان کل کشور در پرونده شماره ۱۹۲۹ مورخ ۱۳۳۹/۴/۲۰ نیز حاکی از وجاهت این رویکرد است. در این پرونده، دادستان کل کشور در زمینه مبنای تصویب و اجرای قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ چنین اظهار عقیده کرد: «... چون مصالح اجتماع اقتضاء داشته از تعدیات این قبیل افراد جلوگیری شود بر اساس این نظر دولت در مقام تهیه لایحه قانونی مربوط به مقررات پزشکی دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی برآمد...» (رضاپور، ۱۳۹۱: ۴۵ - ۴۶). گفتنی است که روح حاکم بر بسیاری از مقررات راجع به مواد مخدر، آلودگی هوا، محیط‌زیست، تردد جاده‌ای، امنیت مواد غذایی و دارویی، ماهواره، سلاح‌های غیرمجاز و مانند آن را حمایت از مصالح عمومی و دفع خطرات گسترده‌ای تشکیل می‌دهد که زندگی آحاد افراد جامعه و کیان اجتماعی را تهدید می‌کند. گاه این حقیقت به‌طور صریح در قانون مندرج است. به‌عنوان نمونه ماده ۱ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸/۰۱/۲۰ مقرر می‌دارد: «با توجه به گسترش روزافزون کاربرد اشعه (پرتوها)

در امور مختلف و ضرورت حفاظت کارکنان، مردم، نسل‌های آینده و محیط در برابر اثرات زیان‌آور اشعه، مقررات ذیل تدوین گردیده است.» (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۳۳۲).

۲. در برخی از قوانین مانند قانون کار و قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، لغت کارفرما یا معادل آن برای مرتکب جرائم متضمن فعل غیرقانونی به کار گرفته شده است. الف. «کارفرمایانی که اتباع بیگانه را که فاقد پروانه کار هستند و یا مدت اعتبار پروانه کارشان منقضی شده است به کار گمارند و یا اتباع بیگانه را در کاری غیر از آنچه در پروانه کار آن‌ها قید شده است بپذیرند و ... با توجه به شرایط و امکانات خاکی و مراتب جرم به حبس از ۹۱ روز تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد.» (ماده ۱۸۱ قانون کار)؛ ب. «در صورتی که صاحبان و مسئولان کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌های آلوده کننده ... پس از تعطیل کارخانه‌ها و کارگاه‌های مذکور، راساً و بدون کسب اجازه از سازمان یا بدون صدور رأی دادگاه صالحه مبادرت به بازگشایی و ادامه فعالیت آن‌ها بنمایند بر حسب مورد به مجازات‌های مقرر در این قانون و سایر مقررات مربوط به عدم رعایت دستورات مراجع قانونی و قضایی محکوم خواهند شد.» (تبصره ماده ۱۶ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا)؛ ج. «صاحبان و مسئولین کارخانه‌ها و کارگاه‌های آلوده کننده‌ای که برخلاف مواد ... و ۱۶ ... این قانون عمل نمایند برای بار او به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از دو ماه تا شش ماه و جزای نقدی از هفتصد هزار ریال تا دو میلیون ریال محکوم می‌شوند...» (ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، مصوب ۱۳۷۴/۲/۳).

برخی از حقوق‌دانان معتقدند که این نحو تدوین قانون (در شرایطی که قانون‌گذار در بسیاری از مواد مربوط به روابط کارفرمایی مطابق اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری از اصطلاح هرکس یا متخلف یا ... استفاده نموده است) دلیلی بر دیدگاه مطلق مقنن برای برخورد کیفری با کارفرما حتی در صورت وقوع جرم توسط کارگر و عدم آگاهی او می‌باشد. گروهی از قضات معتقد به عدم نقض اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری و قانونی بودن جرم و مجازات و نتیجتاً عدم امکان تسری مفاد مواد مزبور به کارفرمایان می‌باشند. گروهی نیز با توجه به ماده ۳ قانون کار^۱ و مسئولیت کارفرما در اداره کارگاه، وی را مسئول قلمداد می‌نمایند (کشاورز جافجیری، ۱۳۸۱: ۱۷۲-۱۷۳).

۱. ماده ۳ قانون کار اشعار می‌دارد: «... مدیران و مسئولان و به طور عموم کلیه کسانی که عهده‌دار اداره کارگاه هستند نماینده کارفرما محسوب می‌شوند و کارفرما مسئول کلیه تعهداتی است که نمایندگان مذکور در قبال کارگر به عهده می‌گیرند.»

می‌توان گفت در چنین مواردی خصیصه مورد نظر قانون‌گذار در مرتکب، مثلاً کارفرما بودن جزء شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق رکن مادی جرائم مربوطه می‌باشد. بنابراین فقط کارفرما می‌تواند مرتکب چنین جرائمی گردد. لذا اگر کارفرما اداره امور کارگاه را به دیگری واگذار نماید و شخص مزبور بدون اطلاع کارفرما مرتکب چنین جرائمی گردد، ارکان متشکله جرم تکمیل نمی‌گردد. لذا یکی از مصادیق اخلاق در نظم اجتماعی به دلیل خلأ قانونی بدون پاسخ کیفری می‌ماند (خرم‌دل، ۱۳۸۹: ۶۳ - ۶۴). اما در حقوق انگلستان در مواردی که مالک یا مقام بالادست یا کارفرما مدیریت کار را به دیگری واگذار می‌کند می‌توان آن را نوعی اعطای نمایندگی دانست و طبق نظریه مسئولیت جانشینی، واگذار کننده را نیابتاً مسئول کیفری جرائم شخص اخیر دانست. نظریه جانشینی در عموم جرائم چه عمدی و چه غیرعمدی و نیز چه مطلق و چه جرائم مستلزم اثبات عنصر روانی قابل تصور است. اگر در رویه قضایی انگلستان مسئولیت جانشینی را نوعی مسئولیت به معنای انتساب رفتار مجرمانه مستخدم به کارفرما تعریف نماییم؛ در این صورت این نوع مسئولیت در حقوق انگلستان با مسئولیت ناشی از تسبیب در حقوق ایران هم‌پوشانی خواهد داشت. دادگاه‌های ایران اساساً در توجیه مسئولیت کارفرما متعرض مبانی مسئولیت نیابتی نشده و کارفرمایان را صرفاً از باب تسبیب و به واسطه عدم نظارت بر اعمال کارگران مسئول کیفری شناخته‌اند (رنجبر، ۱۳۹۵: ۱۱۳ - ۱۲۳).

قانون‌گذار مصری نیز از لحاظ نظری بر این اعتقاد است که صاحب کار در محل کار آمر و صاحب اختیار اصلی به شمار می‌رود. به دیگر سخن، این صاحب کار است که از منافع حاصل از کار بهره می‌برد لذا باید زیان آن را متحمل شود. همچنین از دیدگاه قوانین و مقررات مربوطه تفاوتی نمی‌کند که جرم ارتكابی در کارگاه به‌طور عمدی ارتكاب یافته باشد و یا در اثر سهل‌انگاری و اهمال کارگر. به‌عنوان مثال به موجب ماده ۲۵۵ قانون کار کشور مصر، کارفرما «مدیر کارگاه» و یا نماینده او در اداره کارگاه در صورت تخلف از هر کدام از احکام بخش پنجم این قانون در رابطه با موازین مربوط به بهداشت کار و سلامتی در محیط کار و مواد تولیدی و اجرای مقررات و موازین در این رابطه به تحمل حبس که مدت آن از سه ماه کمتر نخواهد بود و همچنین به پرداخت جزای نقدی محکوم خواهد شد و در صورتی که عدم مراعات مقررات مذکور منجر به مرگ و یا صدمات بدنی گردد در این مورد نه‌تنها قاعده جمع مجازات‌ها اعمال می‌گردد بلکه در اجرای حکم محکومیت، کارفرما و نماینده او در کارگاه مسئولیت تضامنی با محکوم‌علیه در پرداخت جزای نقدی خواهند داشت (محمدی، ۱۳۹۵: ۲۵۵ - ۲۵۶). متأسفانه مقررات مربوط به مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در رویه قضایی ما، برخلاف مقررات این مسئولیت

در کشورهای انگلستان و مصر، به جرائم عمدی تسری نیافته است و مهم‌تر از آن در نظر گرفته نشدن مجازات حبس برای کارفرمایان در قوانین کشورمان است.

به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود مواد قانونی مبین مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در قانون جرائم و مجازات‌های اقتصادی مصر (بدون دربرداشتن عنوان مسئولیت مطلق)، فی‌الواقع از مرزهای احکام و اصول مسلم حقوق جزای عمومی و قانون مجازات عمومی خارج گردیده، به‌طوری‌که صاحب کار یا مدیر مسئول در قبال فعل یا ترک فعل کارگر و عامل و به‌طورکلی در قبال جرائم اقتصادی ارتکاب یافته هر کدام از آنان در محیط کار بدون هرگونه قید و شرطی (یعنی بدون لحاظ ارتکاب عنصر مادی یا بدون داشتن عنصر معنوی) مسئولیت کیفری دارد (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۳۰). درواقع قانون‌گذار مصری در به‌کار بردن این نوع مسئولیت در حقوق کیفری به مصالح عملی و حمایت از منافع عمومی نظر داشته، به‌طوری‌که در حکم دیوان عالی کشور مصر آمده است که مسئولیت کیفری مدیر و مالک و ناظر نسبت به هرگونه تخلف از مقررات، مسئولیتی است که قانون‌گذار دربارهٔ آنان لحاظ کرده و فرض را بر آن قرار داده است که آنان از تخلفات ارتكابی با خبر هستند، گرچه در زمان وقوع جرم در محل حضور نداشته باشند و از همین روی از آنان عذر عدم اطلاع از آنچه در محل رخ داده پذیرفته نمی‌شود (محمدی، ۱۳۹۷: ۸۲-۸۳).

۳. آنچه به موجب ماده ۲۳ قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۶۹ نیز مقرر شده است موجب مسئولیت کیفری مطلق فرد صنفی خواهد شد. چراکه در این قانون صرفاً افراد صنفی که دارای پروانه و مجوز لازم‌اند مکلف به رعایت قوانین و مقررات جاری کشور شناخته شده‌اند، ازجمله قوانین و مقررات صنفی، انتظامی، بهداشتی، ایمنی، حفاظت فنی و زیباسازی محیط کار و دستورالعمل‌های نرخ‌گذاری کالاها و خدمات که از سوی مراجع قانونی ذی‌ربط اعلام می‌گردد؛ بدون اینکه در این زمینه عدم تقصیر آن‌ها در قبال نقض اعمال فوق توسط عاملین و مباحران و یا کارگزاران تأثیری در عدم شکل‌گیری مسئولیت کیفری فرد صنفی داشته باشد (خدادادی و خالدي، ۱۴۰۰: ۹۲).

۴. برخی دیگر از نویسندگان معتقدند که قانون‌گذار ما در برخی از قوانین به‌طور ناخودآگاه «مسئولیت مطلق» را ایجاد نموده است و چنین اشعار می‌دارند: «مسئولیت مطلق کیفری در جرائم مسئولیت کیفری ناشی از فعل دیگری نیز مشهود است. نقض مقررات یا نظام‌های توسط کارگر و یا نویسنده موجب مسئولیت کیفری کارفرما یا مدیر مسئول روزنامه گردیده است. البته در صورت ارائه آموزش‌های لازم و نظارت مستمر بر کارگر و نویسنده،

کارفرما و مدیر مسئول دیگر مسئولیت نخواهد داشت. قانون‌گذار ایران در مواردی همچون مقررات مربوط به قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶/۰۴/۲۲ یا ماده ۱۷ و ۲۱ لایحه قانونی مطبوعات^۱ مصوب ۱۳۵۸/۰۵/۳۱ مسئولیت بی‌تقصیر (مسئولیت مطلق کیفری) را پذیرفته است. البته مقرر گردیده، مسئولیت مدیر مسئول یا کارفرما در صورت تخلف اشخاص زیردست مانند کارگر و کارمند ثابت است زیرا فرض بر این است که مدیر مسئول از تکلیف خود مبنی بر نظارت و مراقبت غفلت کرده است. ولی با کمی تأمل می‌توان فهمید که در این قوانین و قوانین مشابه دیگر، مسئول حق اثبات نظارت و مراقبت خود بر فاعل را نداشته و قانون‌گذار به‌طور ناخودآگاه مسئولیت مطلق ایجاد نموده است» (جانی پور و عباسی، ۱۳۹۲: ۳۰ - ۳۱).

۴. تبیین ابهامات ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی

مقنن ایرانی با تصویب ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر را جرم‌انگاری نمود. وفق این ماده مبنای پذیرش مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری دو نظریه «خطر» و «خطا» است که مبتنی بر «نظریه خطر» موضع قدرت نیازمند مسئولیت سنگین‌تر و به موجب «نظریه خطا» تحقق مسئولیت کیفری به تقصیر و تعدی و تفریط مرتکب وابسته است. مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری به موجب این ماده در دو فرض متصور است: مبتنی بر فرض نخست که مطابق صدر ماده، از آن به مسئولیت قانونی تعبیر شده است نیازی به تقصیر نیست و به موجب قانون، اشخاص مسئول شناسایی شده و مسئولیت محقق و محرز است؛ درحالی‌که به موجب ذیل ماده، فرض دیگر به وقوع تقصیر نیازمند می‌باشد (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۸۷ - ۳۸۸). در راستای بررسی ابهامات ماده مذکور سؤالاتی این‌گونه را می‌توان مطرح نمود: منظور ماده از «شخص به‌طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد» چیست؟ دامنه شمول این ماده در هر دو فرض مسئولیت قانونی و تقصیر تا کجاست و چه جرائمی را در بر می‌گیرد؟ آیا می‌توان این ماده را به جرائم عمدی نیز تسری داد؟ عنصر مادی شخص مسئول فعل دیگری تنها شامل فعل است یا ترک فعل را نیز شامل می‌شود؟ مسئولیت قانونی ذکر شده تا چه اندازه با مبانی مسئولیت مطلق کیفری مطابقت دارد؟

۱. ماده ۱۷ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ مقرر می‌دارد: «مسئولیت مقالات یا مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود به عهده مدیر مسئول است در صورتی که مقالات یا مطالب مذکور مضر به منافع اشخاص بوده و منتهی به شکایت شود مدیر مسئول باید نویسنده مقاله یا مطلب را معرفی کند و پاسخگوی آن باشد مگر اینکه ثابت شود مدیر مسئول به تمام وظایف و مسئولیت‌های متعارف عمل کرده باشد که در این صورت مسئولیت متوجه کسی است که در این باب تقصیر کرده باشد.» ماده ۲۱ لایحه مذکور بیان می‌دارد: «هرگاه در روزنامه یا مجله یا هرگونه نشریه دیگر مقالات یا مطالب توهین‌آمیز یا افترا و یا بر خلاف واقع و حقیقت، خواه به نحو انشاء یا به طور نقل نسبت به مراجع مسلم تقلید درج شود مدیر روزنامه و نویسنده هر دو مسئول و هر یک از ۱ تا ۳ سال حبس جنحه‌ای محکوم خواهند شد.»

۱. عبارت «شخص به‌طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد» از جهتی دارای ابهام است؛ آیا منظور ماده آن است که هر جا قانون‌گذار به‌طور خاص شخصی را مسئول اعمال دیگری بداند آن شخص مسئول است یا اینکه تنها در جایی که قانوناً و در یک سلسله‌مراتب اداری شخص مسئول رفتار دیگری باشد، مسئولیت کیفری نیابتی ایجاد خواهد شد؟ پذیرش نظر اول موجب کاهش قلمرو مسئولیت نیابتی خواهد شد، زیرا شناسایی مسئولیت کیفری نیابتی در هر مورد منوط به شناسایی قانون‌گذار در یک ماده خاص است و بایستی بدان تصریح شود. مثلاً در قانون مطبوعات، قانون‌گذار صراحتاً از مسئولیت کیفری نیابتی سخن به میان آورده است. اما پذیرش نظر دوم موجب توسعه مسئولیت کیفری نیابتی خواهد شد؛ به این معنا که هر مقام بالادست اگر بر زیردست خود کنترل نداشته باشد و جرم واقع شود آن مقام دارای مسئولیت نیابتی خواهد بود. در راستای توسعه مسئولیت نیابتی و رسیدن به اهداف آن می‌بایست نظریه دوم را پذیرفت، زیرا مسئول قرار دادن هر شخص که در سلسله‌مراتب بالاتری است موجب نظارت بیشتر گردیده و همین امر به پیشگیری از جرائم می‌انجامد. اما این نظر با اصول حقوق جزا و همچنین قواعد فقهی حاکم بر حقوق اسلامی منافات دارد و مغایر با اصل تفسیر مضیق متون جزایی و قانونی بودن جرم و مجازات می‌باشد. لذا چون مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری بوده و لزوم اکتفا به قدر متیقن در تفسیر آن، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که منظور از قانونی بودن در ماده مزبور این است که مصادیق مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر باید در قانون تصریح شده و منصوص باشد (حبیب پور تهمتن، ۱۳۹۸: ۸۳ - ۸۴).

۲. در مورد دامنه شمول ماده می‌توان دو فرض را مطرح کرد. فرض اول را این‌گونه می‌توان توجیه کرد که با توجه به اینکه ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر را به‌طور مطلق مورد شناسایی قرار داده و در متن ماده هیچ قید و تبصره‌ای نمی‌توان یافت که آن را فقط شامل بخشی از جرائم به حساب آورده باشد، با استفاده از عموم و اطلاق ماده بایستی آن را در مورد تمامی جرائم ساری و جاری دانست. نکته دیگری که در توجیه این نظر می‌توان گفت بحث فلسفه و اهداف مسئولیت کیفری و مجازات است؛ به این معنا که فلسفه و هدف اصلی پذیرش مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در نظام‌های حقوقی بحث پیشگیری از جرم است به این صورت که تحمیل مسئولیت کیفری به افراد بالادست باعث این شده که این افراد نظارت و وظایف خود را در قبال افراد زیردست به نحو شایسته انجام داده و از این طریق در کاهش ارتکاب جرم توسط افراد تحت امرشان جلوگیری کنند. بنابراین در راستای رسیدن به اهداف قانون‌گذار از وضع قوانین مربوط به مسئولیت کیفری ناشی

از فعل غیر بایستی قائل به تسری ماده ۱۴۲ به تمام جرائم ارتكابی باشیم، چراکه در این حالت اهداف پیشگیرانه‌ای که مدنظر است بهتر تأمین می‌شود. علی‌رغم مواردی که گفته شد به نظر می‌رسد که این نظر دارای اشکالاتی است. اولاً؛ اینکه بر اساس ماده ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی، اصل حاکم بر حقوق جزای ایران که منبعث از فقه اسلامی نیز می‌باشد اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است و ماده ۱۴۲ به صورت استثنایی مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر را پذیرفته است که عبارت «تنها در صورتی که» در ابتدای ماده مزبور نیز مؤید این مطلب است. بنابراین از آنجاکه استثناء همواره بایستی به صورت مضیق تفسیر شود در مورد مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر نیز بایستی به موارد منصوص و مصرح محدود شود و نمی‌توان دامنه آن را گسترش داد (حبیب پور تهمتن، ۱۳۹۸: ۸۴ - ۸۵).

چنین تفسیری مضیق از ماده ۱۴۲ ق.م.ا در بند ۱ و ۲ فوق‌الذکر، منجر به محدودیت و کاهش قلمرو مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر می‌شود. ما باید در پی کشف مراد مقنن از جرم‌انگاری مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر باشیم، نه اینکه ماده مزبور را به‌گونه‌ای محدود و مضیق تفسیر کنیم که هدف قانون‌گذار از تصویب آن تأمین و توجیه نگردد. درواقع، در حقوق جزای ماهوی هر دستور قانونی به‌منظور مقابله با یک رفتار ضداجتماعی و حکومت بر یک واقعه مخاطره‌آمیز به تصویب می‌رسد. وظیفه شارح و مفسر قانون تلاش برای درک این منظور و هدایت قانون به سوی تأمین و تحقق آن است. تلاش او باید معطوف به این باشد که قانون‌گذار با تصویب قانون مورد تفسیر در صدد رویارویی با چه شری بوده، کدام واقعه جزایی را می‌خواسته اداره کند و به دنبال جبران کدام نقص از نقایص نظام حقوقی بوده است (جلیلی، ۱۳۷۷: ۳۸).

مسئله هدف قانون‌گذار ما هم از تصویب ماده ۱۴۲ ق.م.ا پاسخ به تهدیدهای روزافزون اشخاص حقوقی، صاحبان صنایع و سرمایه‌دارانی بوده که با رفتارشان منافع عمومی و حیاتی جامعه را به مخاطره انداخته‌اند و مقنن از رهگذر این جرم‌انگاری، در پی حمایت از ارزش‌های اساسی و بنیادین جامعه و تأمین امنیت رفاهی شهروندان بوده است. حال اگر ماده را بدین صورت محدود و مضیق تفسیر کنیم نه تنها اهداف قانون‌گذاری تأمین نخواهد شد، بلکه دامنه جرائم حوزه مسئولیت ناشی از فعل غیر از قبل این بی‌قانونی گسترش خواهد یافت. البته بهتر است در این زمینه قائل به تمیز شویم. زیرا هرچند در قوانین ما به صورت پراکنده و تلویحی به مواردی از مسئولیت قانونی اشاره شده، اما با توجه به تفاوت‌های مبنایی و ماهیتی این نوع مسئولیت با مسئولیت مطلق، در فرض اول ماده نیاز به بازنگری و جرم‌انگاری مسئولیت مطلق هست. اما در فرض دوم ماده و مبنای تقصیر سه نظریه قابل

طرح است: اول، توجیه مواردی که تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در قوانین ما به صورت موردی و تلویحی به مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر پرداخته‌اند، مانند تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات ۱۳۶۴، قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی، قانون نظام صنفی ۱۳۶۹، ماده ۹۱ قانون کار ۱۳۶۹ و...؛

دوم، مقدمه‌چینی قانون‌گذار برای پیش‌بینی قانونی مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در موارد خاصی که ناشی از تقصیر دیگری است؛ سوم، توجیه اینکه محاکم ما بر اساس این مبنای تقصیر، قلمرو مسئولیت کیفری را در جاهایی که تقصیر شخص در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری مطرح است توسعه داده و در نتیجه علاوه بر افرادی چون مباشر، معاون و مسبب، اشخاص ثالث دیگری را نیز مسئول کیفری قلمداد نمایند (شمس ناتری، ۱۳۹۸-۱۳۹۹). نظریه اول نمی‌تواند توجیه‌کننده هدف قانون‌گذار از تصویب مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر باشد، زیرا همان قوانین پراکنده و موردی که به مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر پرداخته‌اند به صراحت مجازات مرتکب را در هر دو فرض مسئولیت قانونی و تقصیر نیز تعیین نموده‌اند. با وجود این قوانین، دیگر نیازی به تصویب ماده‌ای نیست که دایره شمولش تا این حد محدود باشد. فرض دوم را می‌توان چنین تفسیر کرد که احتمالاً در آینده رفتارهایی ناشی از تقصیر فعل دیگری محقق خواهد شد که در شمولیت ماده مذکور قرار گیرد. اما نویسنده معتقد است که با عنایت به گسترش و تشدید جرائم مسئولان ناشی از فعل غیر در کشورمان، فرض سوم می‌تواند پاسخ‌گوی مشکلات کنونی در حوزه مسئولیت نیابتی باشد. البته در این زمینه قضات کشورمان چندان با ماهیت، مبانی و فلسفه جرائم با مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر آشنایی نداشته تا جایی که محاکم ما اساساً در توجیه مسئولیت نیابتی متعرض مبانی مسئولیت نیابتی نشده و کارفرمایان را صرفاً از باب تسبیب و به واسطه عدم نظارت بر اعمال کارگران مسئول کیفری قلمداد نموده‌اند.

۳. اشخاصی که در ماده ۱۴۲ ق.م.ا موضوع مسئولیت نیابتی^۱ قرار می‌گیرند دو دسته‌اند: دسته اول کسانی هستند که رابطه خاصی (قانونی، آمریتی) با فاعل مادی دارند؛ و دسته دوم اشخاصی هستند که رابطه خاصی با فاعل مادی ندارند، اما نسبت به نتیجه رفتار ارتكابی فاعل مادی مرتکب تقصیر می‌شوند (حبیب پور تهمتن، ۱۳۹۸: ۹۷-۹۶). در هر دو حالت ذکر شده، لزوم احراز رابطه سببیت میان فعل شخص مسئول عمل دیگری و نتیجه مجرمانه ضروری است، زیرا شرط تحقق مسئولیت کیفری وجود رابطه سببیت است. اهمیت رابطه سببیت

۱. در کشورهای دارای نظام حقوقی کامن‌لا از مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر تحت عنوان مسئولیت نیابتی نام برده می‌شود.

بدان حد است که خواه در مسئولیت مدنی و خواه در مسئولیت کیفری احراز رابطه سببیت ضروری است؛ حتی در جرائم مسئولیت بدون تقصیر که عنصر روانی مفروض بوده و نیازی به اثبات عنصر روانی نیست، رابطه سببیت بین فعل و ورود ضرر باید ثابت شود، ولی اگر عنصر تقصیر را دخالت دهیم باید هم تقصیر ثابت شود و هم رابطه سببیت. درواقع، چگونگی رابطه سببیت میان فعل مثبت یا منفی شخص مسئول عمل دیگری و نتیجه مجرمانه نیز بسته به ماهیت هر جرم متفاوت است.

به نظر می‌رسد از یک طرف در جرائم عمدی می‌بایستی میان فعل مثبت شخص مسئول (ایجاد کننده خطر) و نتیجه مجرمانه رابطه سببیت برقرار باشد و از طرف دیگر در جرائم غیرعمدی می‌بایست میان ترک فعل (غفلت و عدم انجام وظیفه) شخص مسئول عمل دیگری و نتیجه مجرمانه رابطه سببیت وجود داشته باشد (رنجبر، ۱۳۹۵: ۲۴۴-۲۵۰). بنابراین منظور قانون‌گذار از تقصیر در قسمت دوم ماده ۱۴۲ همان بی احتیاطی و بی مبالائی است، فلذا این بخش از ماده مزبور فقط شامل جرائم غیرعمدی می‌شود اما قسمت اول که مطلق بیان شده هم جرائم عمدی و هم جرائم غیرعمدی را در بر می‌گیرد (حبیب پور تهمتن، ۱۳۹۸: ۹۲). در حقوق انگلستان نیز جرائم مستوجب مسئولیت کیفری یا جرائم غیرعمدی‌اند یا جرائم عمدی. کارفرمایان و بالادستان در جرائم غیرعمدی بر حسب قوانین شبه جرم در قبال اعمال زیردستان خود مسئولیت دارند. اما جرائم عمدی در حقوق انگلستان یا جرائم مطلق‌اند یا جرائمی که مستلزم اثبات عنصر روانی هستند. بر اساس اصل نمایندگی، کارفرما هم ممکن است به واسطه جرائمی که مستلزم اثبات عنصر روانی هستند مسئولیت نیابتی داشته باشد و هم در جرائم مطلق که نیازی به اثبات عنصر روانی نیست (کشاورز جافجیری، ۱۳۸۱: ۱۰۰).

همان‌طور که ذکر شد ماده ۱۴۲ ق.م.ا بر مبنای تقصیر و همچنین فرض انتساب قانونی استوار است. اما قانون‌گذار کشور مصر، در رابطه با مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری، مسئول را به جهت عدم انجام تعهد و یا عدم اعمال نظارت و کنترل نسبت به کارکنان مستحق مجازات نمی‌داند، بلکه او را مجازات می‌کند، حتی اگر او دلیل بیاورد که تمام کوشش خود را در اعمال نظارت و مراقبت به کار بسته است یا دلیل بیاورد که او ناتوان از اعمال نظارت بوده است. بر همین اساس، حقوق‌دانان در این نکته هم باورند که مسئولیت از او ساقط نمی‌شود، حتی اگر ثابت کند که مدیر در محل حضور داشته است، زیرا قانون مدیر را جانشین او در مسئولیت قرار نداده است بلکه هر دو آن‌ها را با هم و مانند هم مسئول شناخته است. درواقع، حقوق‌دانان مصری مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری را چنین توجیه می‌کنند که مجازات به سبب خطایی است که از مجازات شونده سر زده است

و نه به جهت رفتار دیگری، اما واضح است که خطای شخص مجازات شونده به حسب قانون فرض شده است و اعتبار خطای او ناشی از رفتاری است که دیگری مرتکب آن شده و او به هیچ نحوی در آن شرکت نداشته است (محمدی، ۱۳۹۷: ۸۷-۸۸). درواقع، در قانون مجازات عمومی مصر به نوعی مرتکب جرم با کارفرما و سرپرست و صاحب کار و مدیر، شریک جرم محسوب می‌شوند و صرفاً به نسبت نوع و اهمیت و آثار جرم «خطای جزایی» سر زده از آنان در اغلب موارد کفه ترازو به ضرر صاحب کار، سرپرست و مدیر سنگینی می‌کند (محمدی، ۱۳۹۷: ۹۳). بنابراین باید گفت از طرفی طبق قانون مجازات مصر، مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر بر فرض خطا یا تقصیر استوار است، اما در جرائم اقتصادی، مقنن با عدول از مبنای مذکور و در راستای حمایت از منافع عمومی این مسئولیت را بدون هرگونه قید و شرطی (یعنی بدون لحاظ ارتکاب عنصر مادی یا بدون داشتن عنصر معنوی) پذیرفته است بی‌آنکه عنوان مسئولیت قانونی یا مطلق را بر آن بار نماید. از سویی مزیت مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق مصر نسبت به کشورمان در این است که علاوه بر اینکه مسئولیت کیفری بیشتر متوجه مسئول و مدیر و صاحب کار است و مجازات حبس و قاعده جمع مجازات‌ها در مورد آن‌ها اعمال می‌گردد، این مسئولیت به جرائم عمدی نیز تسری دارد.

۴. در حقوق کیفری انگلستان اصل انتساب قانونی اعمال منحصراً مربوط به جرائم مطلق است که در آن رفتار مادی ارتكابی توسط کارمند به کارفرما منتسب می‌شود (جعفری، ۱۳۹۶: ۱۸۴). در بادی امر شاید چنین به نظر برسد که در ماده ۱۴۲ ق.م.ا همچون حقوق انگلستان، مسئولیت مطلق کیفری جرم‌انگاری شده است، اما با بررسی موضوع می‌توان قائل به تمیز شد. در حقوق انگلستان با رجوع به اصول حقوقی و عبارات و قرائن قانونی، می‌توان مبادرت به شناسایی مسئولیت کیفری بدون تقصیر کرد، به طوری که اساسی‌ترین مرجع تشخیص صحیح مفهوم جرائم بدون تقصیر، تصمیمات محاکم و مقامات قضایی و همچنین قوانینی است که در نظام کیفری انگلستان مضبوط و در دسترس می‌باشد (رضاپور، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۱۳). مثلاً در انگلستان قضات با توجه به متن قانون باید کشف کنند که منظور قانون‌گذار از وضع آن قانون، ایجاد جرم مسئولیت مطلق بوده یا نه؟ قضات این کار را از نحوه نگارش قانون و کلماتی که قانون‌گذار در متن قانون به کار می‌برد، استنباط می‌نمایند. گاهی قانون‌گذار به صراحت و گاهی به صورت تلویحی آن را بیان می‌کند. مثلاً وجود کلماتی مانند «عالمی»، «عامداً» نشانگر این است که قاضی باید قصد و عنصر روانی متهم را احراز کند و به کار بردن کلماتی مانند «داشتن»، «منجر شدن» نشانگر ایجاد جرائم مسئولیت مطلق است (میلانی و عبدالکریمی، ۱۳۹۴: ۸۴).

از دیگر مؤلفه‌هایی که دادگاه‌ها بر اساس آن‌ها تصمیم می‌گیرند که جرم از جرائم مطلق است یا خیر، جایی است که قانون با موضوعی حائز اهمیت اجتماعی سروکار دارد؛ انواع جرائمی که در این طبقه‌بندی می‌گنجد دربرگیرنده رفتارهایی است که ممکن است برای عموم خطرناک باشد، اما معمولاً اثر سوء جرمی مثل قتل عمد یا سرقت را ندارد. نقض مقررات ساخت‌وساز و یا جرائم مربوط به آلوده‌سازی جدی محیط‌زیست مثال‌های از این جرائم هستند (الیت و کوئین، ۱۳۹۳: ۸۳). البته در قوانین نیز مسئولیت مطلق جرم‌انگاری شده است به‌طوری‌که در حقوق انگلستان، قانون‌گذار با تصویب قانون جواز مواد آشامیدنی مصوب ۱۸۷۲، قانون غذا و دارو مصوب ۱۸۷۵، قانون سلامت عمومی مصوب ۱۸۸۱، قانون جلوگیری از آلودگی رودخانه‌ها مصوب ۱۸۷۵ و قانون راه‌آهن مصوب ۱۸۶۸، به مصادیق جرائم علیه رفاه توجه داشته است (برادران روحانی، ۱۳۹۴: ۸۱). اما این موضوع (رجوع به اصول حقوقی و عبارات و قرائن قانونی و جرم‌انگاری در متون قانونی) در حقوق کیفری ایران مورد اهتمام قانون‌گذار و مراجع قضایی قرار نگرفته است. بنابراین می‌توان گفت که در حقوق انگلستان، موضوع مسئولیت کیفری بدون تقصیر از مفاهیمی است که در شناخت آن، تحلیل عمیقی صورت گرفته است.

درواقع، مبانی قانون‌گذاری و جرم‌انگاری این نوع مسئولیت بیشتر به سمت رفاه و حفظ منافع جمعی و مصلحت‌گرایی سوق پیدا کرده و جرائمی به وجود آمده‌اند که با جرائم سنتی، هم از نظر شکلی و هم از نظر ماهوی، متفاوت هستند. در مقابل، در نظام کیفری ایران، به غیر از مطالعات اندکی در زمینه‌های غیر کیفری، اصل موضوع مسئولیت مطلق در حقوق کیفری چندان مورد کنکاش واقع نشده است (رضاپور، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۱۱۳) و قانون‌گذار ما تنها در بعضی از قوانین، به صورت تلویحی و پراکنده به این نوع مسئولیت بدون در نظر گرفتن مبانی و اهداف آن اشاره کرده است تا جایی که بعضی از نویسندگان معتقدند که قانون‌گذار به‌طور ناخودآگاه مسئولیت مطلق را ایجاد نموده است.

۵. لزوم بازنگری در ماده ۱۴۲ و جرم‌انگاری مسئولیت مطلق

قانون‌گذار ما حدود نیم قرن دیرتر از مقنن سایر کشورها، آن هم در ماده‌ای پر از ابهام و بدون هم‌سویی با جریان‌های حقوقی معاصر و با قرار دادن خود در حصار دامنه‌دار «تقصیر جزایی» به موضوع مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در ماده ۱۴۲ ق.م.ا. پرداخته است (محمدی، ۱۳۹۵: ۲۷۹). اما ماده مذکور را نمی‌توان به‌عنوان عنصر قانونی در نظر گرفت، چراکه در آن هیچ اشاره‌ای به مجازات شخص مسئول به دلیل فعل غیر نشده است و صرفاً در مقام تعریف و بیان مبنایی برای مصادیق مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر است که پیش‌تر در قوانین

مختلف آمده است. برای اینکه مشخص کنیم عملی مصداق مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر است می‌توانیم از این ماده استفاده کنیم. اما برای مجازات افراد و تحمیل مسئولیت کیفری نمی‌توان به این ماده استناد کرد، بلکه برای مجازات فردی که عمل او بر اساس ماده ۱۴۲ مصداق مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر است، بایستی در قوانین مختلف به جستجو پرداخت تا بتوان مقرره‌ای را یافت که بر اساس آن بتوان فرد مورد نظر را مجازات کرد (حبیب پور تهمتن، ۱۳۹۸: ۸۶). حال سؤال این است که آیا ماده مذکور پاسخ‌گوی افعال مرتکبین جرائم حوزه مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر می‌باشد؟ چرا نیاز هست که ما مسئولیت مطلق را جرم‌انگاری کنیم؟ قبل از پرداختن به این سؤالات بایستی ببینیم هدف قانون‌گذار از تعیین کیفر چیست؟

با عنایت به نظریه ارباب امید آن می‌رود که تجربه تحمل مجازات یا تهدید به آن، مجرم را از ارتکاب مجدد جرم بازدارد (ارباب خاص)، اما تهدید به مجازات افزون بر مجرم، سایر افراد جامعه را نیز که استعداد بزهکاری دارند از ارتکاب جرم باز می‌دارد (ارباب جمعی). ازاین‌رو، هدف پنهان «ارباب» آن است که با اعمال یک مکانیزم بیرونی (ترس از مجازات) از ارتکاب جرم در آینده جلوگیری کند (قماش و متقی اردکانی، ۱۳۹۹: ۹۹). این تأثیرگذاری مجازات منوط به فراهم آمدن شرایطی است که در غالب موارد مورد توجه قانون‌گذاران قرار نمی‌گیرد. مجازات و ارباب ناشی از آن، باید در برابر پاسخی اعمال شود که همواره از طریق محرک‌های گوناگون در حال تقویت شدن است. در نتیجه، مادامی که اعمال مجازات در جهت حذف محرک‌های تقویت‌کننده صورت نپذیرد، اثر اربابی آن کارآمد نیست. بنابراین قانون‌گذار ابتدا باید محرک‌های تقویت‌کننده نهفته در هر جرم را شناسایی کرده و سپس در راستای حذف آن‌ها به پیش‌بینی مجازات بپردازد؛ در غیر این صورت اگرچه با اعمال مجازات امکان کاهش ظاهری نرخ جرائم وجود دارد، اما رفتار جنایی از بین نمی‌رود بلکه در بهترین حالت، فاعل جهت گریز از مجازات به راهکارهایی متوسل می‌شود تا بدان وسیله رفتار خویش را پنهان ساخته یا موجه جلوه دهد (قماش و متقی اردکانی، ۱۳۹۹: ۱۰۰).

اکثر کارفرمایان و صاحبان صنایع که از نمونه‌های بارز مسئولین کیفری ناشی از فعل غیر هستند با داشتن جایگاه بالای اقتصادی و اجتماعی، از انجام هیچ عمل خطرناکی ابایی ندارند و فقط منفعت خود را می‌بینند، جسم و روح افراد برایشان ارزشی ندارد، عده زیادی از مردم را با رفتارهایشان بزه‌دیده قرار می‌دهند، مردمی که نه توان مقابله در برابر قدرت آن‌ها را دارند و نه حتی در بعضی موارد توانایی اثبات ارتکاب و استناد جرم به آن‌ها را

(خصالی، ۱۳۹۷: ۴۱). می‌توان گفت که کسب ثروت و منفعت بیشتر از مهم‌ترین محرک‌های تقویت‌کننده انگیزه مرتکبین جرائم حوزه مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر است.

با بررسی قوانین باید اذعان داشت که قانون‌گذار ما در راستای حذف یا کاهش این محرک‌ها به پیش‌بینی مجازات نپرداخته است. زیرا اولاً، مقنن در تصویب ماده ۱۴۲ ق.م.ا صرفاً در مقام تعریف و بیان مبنایی برای مصادیق مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر بوده و هیچ اشاره‌ای به مجازات شخص مسئول به دلیل فعل غیر ننموده است؛ ثانیاً، مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر، در فعالیتهای اقتصادی که حاصل به‌کارگیری سرمایه در صحنه‌های مختلف اجتماعی است پدیدار می‌شود، در قبال ارتکاب جرائم ناشی از این مسئولیت، مجازات‌هایی چون پرداخت دیه، جزای نقدی و... در نظر گرفته شده که به نظر می‌رسد این مجازات‌ها به قدر کافی اثر بازدارندگی ندارند. قانون‌گذار می‌تواند نسبت به مجازات مسئول و مرتکب با دست باز عمل کند و علاوه بر مجازات‌های مذکور، جزای نقدی سنگین‌تر و یا کیفر حبس را نیز در نظر بگیرد (محمدی، ۱۳۹۵: ۲۸۱-۲۸۳)؛ ثالثاً، با پذیرش تقصیر به‌عنوان مبنای مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر، عامل زیان فقط هنگامی در برابر زیان‌دیده مسئول است که مقصر باشد. بنابراین به فرض کارخانه‌داری که مطابق استانداردها فعالیت می‌کند و با این حال موجب تضرر همسایه‌ها می‌شود، مسئولیتی در برابر آن‌ها ندارد. اما به خاطر همین بی‌احتیاطی، جامعه هزینه‌های اجتماعی کلانی متحمل می‌شود. با اعمال مسئولیت بدون تقصیر از وقوع این‌گونه حوادث پیشگیری می‌شود و در صورت بروز از فرار مجرمین جلوگیری می‌شود (رضاپور، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

به دلایلی چند ما در قوانین و مقررات کیفری مان نیاز به جرم‌انگاری مسئولیت مطلق کیفری داریم؟ ۱. باید توجه داشت که بعضاً اشکال مجرمانه‌ای وجود دارند که ممکن است با مفاهیم سه‌گانه عناصر جرم کاملاً انطباق نداشته باشند مثل جرم آلوده کردن یا تخریب محیط‌زیست و... که هرچند در مقایسه با جرم قتل و یا تجاوز به عنف قبح اخلاقی کمتری دارند، ولی از حیث میزان صدمه و زیان‌های مترتبه بر آن می‌تواند ناگوار و حتی فاجعه‌آمیزتر باشند؛ ۲. جرائم بدون تقصیر، جرائم واقعاً کیفری تلقی نمی‌شوند و در راستای پاسخ‌گویی به نیازها و ضرورت‌های زندگی اجتماعی جرم‌انگاری شده‌اند. به عبارتی چون غرض قانون‌گذار محافظت از مصالح عمومی در برابر پدیده‌های خطرناک است بنابراین ملاحظات فردی و اخلاقی در درجه اول اهمیت نیست (عبدلهی، ۱۳۹۳: ۱۱۲)؛ ۳. دامنه جرائم با مسئولیت بدون تقصیر هر روز گسترده‌تر می‌شوند و نظام‌های سیاسی و حقوقی برای تأمین مصالح اجتماعی و عمومی به‌گونه‌ای قوانین و مقررات را تدوین، تفسیر یا اجرا کرده‌اند که

ابزار تدافعی و یا بازدارنده‌ای برای مبارزه با ناروایی و مخاطرات عدیده جانی و مالی فراهم شود (عبدالهی، ۱۳۹۳: ۱۴۲)؛ ۴. در هر جامعه‌ای مهم‌ترین پیش‌نیاز قانون‌گذاری، نیاز جامعه به قانون است. این نیاز اجتماعی از دو مبنای مهم ناشی می‌شود یکی تحولات اجتماعی که در جریان است و دیگر اینکه انسان و جامعه بر حسب ذات و طبع خود در حال تحول هستند.

این تحولات باعث تغییر نیازها می‌شود و بر حسب این نیازهاست که قانون‌گذاری صورت می‌گیرد. گاهی هم بدون تحول، نیاز به قانون‌گذاری داریم، مانند به وجود آمدن یک پدیده تکنولوژیک هرچند که تحول جامعه ما نباشد. تشخیص نیاز جامعه با جمع کردن متخصصین انجام می‌گیرد، مانند جامعه‌شناس، روان‌شناس، فلسفه‌دان حقوق، تاریخ‌دان اجتماعی و... در این تشخیص برخورد علمی انجام می‌شود و برخورد علمی ما نیازمند استفاده از حقوق تطبیقی است (آزمایش، ۱۳۸۳). آیا ایجاد تحولات جدید در جامعه ما نیازها را تغییر نداده است؟ روابط کارگر و کارفرما به تبع پیشرفت فناوری و تکنولوژی گسترش نیافته است؟ آیا شرکت‌ها و کارخانه‌های داخلی در تولیدات خود اصول بهداشتی و ایمنی را رعایت می‌کنند؟ آیا مراجع قضایی، انتظامی و اداری ما در برخورد با سرمایه‌داران، کارفرمایان و صاحبان صنایع به عدالت رفتار می‌کنند؟

نتیجه‌گیری

قوانین و مقررات کشورمان در خصوص مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر؛ از لحاظ «مبنا»، «رویه قضایی» و «راهکار تعیین مجازات» نیاز به اصلاحات اساسی دارد. از لحاظ مبنا با عنایت به محدود شدن مسئولیت مذکور به فرض تقصیر و عدم جرم‌انگاری مسئولیت مطلق، تصویب ماده ۱۴۲ ق.م.ا پاسخ‌گوی نیازهای کنونی نیست. با مبنای تقصیر نمی‌توان کارفرمایان، سرمایه‌داران و صاحبان قدرت را مورد تعقیب و محاکمه قرار داد؛ زیرا علاوه بر اینکه رفتارهای مجرمانه این اشخاص ممکن است علی‌رغم نقض قوانین موجود تحت تأثیر هژمونی سیاسی دولت و لابیگری‌های اداری به مرحله دادرسی و یا اجرا نرسد، در فرض محاکمه و اثبات جرم نیز، در سایه بررسی میزان تقصیر، مجازات آن‌ها در حد پرداخت دیه و یا جزای نقدی است که این پرداخت از سوی مسئولان کیفری فعل غیر که اکثراً سرمایه‌داران و کارفرمایان متمکن هستند به آسانی صورت می‌گیرد و در نظر گرفتن چنین مجازاتی برای آن‌ها به هیچ وجه جنبه بازدارندگی ندارد.

در بحث رویه قضایی نیز برخلاف نص ماده ۱۴۲ که تقصیر را به صورت عام به کار برده است، در عمل، محاکم کیفری ما مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر را به جرائم عمدی تسری نداده‌اند و آن را به جرائم شبه عمدی

و از نوع ترک فعل محدود نموده‌اند. همچنین در راهکار تعیین مجازات ماده مذکور بحثی از مجازات اشخاصی که مسئول کیفری فعل غیر هستند، ارائه نداده و صرفاً در مقام تعریف و بیان مبنایی برای مصادیق مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر است که پیش‌تر در قوانین مختلف آمده است. درواقع، قانون‌گذار کشورمان در پذیرش نهاد مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر (برخلاف مقنن مصری که این مسئولیت را محدود به نظریه خاصی ننموده)، این نهاد را به فرض تقصیر محدود و در قوانینی که به صورت پراکنده و تلویحی مسئولیت مطلق را ایجاد نموده، این مقررات‌گذاری (برخلاف حقوق انگلستان) بدون توجه به اصول حقوقی و عبارات و قرائن قانونی و به‌طور ناخودآگاه بوده است. با توجه به گسترش جرائم حوزه مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر و جرم‌انگاری جرائم با مسئولیت مطلق در اکثر کشورهای حوزه کامن‌لا، ضمانت اجراهای سختی برای این جرائم پیش‌بینی شده است. در کشور ما توان اقتصادی اجتماعی برخی افراد جامعه، گسترش اشخاص حقوقی خطرآفرین و عدم نظارت و سکوت دولت در برابر این افراد باعث پدید آمدن و تشدید این جرائم گردیده است. دولت به‌عنوان مهم‌ترین عامل در تعیین سرنوشت جامعه و افراد آن که موظف به برقراری نظم و عدالت، آسایش و رفاه عمومی است؛ می‌تواند با جرم‌انگاری مسئولیت مطلق امنیت رفاهی شهروندان را تأمین و تضمین نماید. مقنن محترم می‌بایست با بازنگری در ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی و در نظر گرفتن مقتضیات و نیازهای اجتماعی و ضمن توجه به مقررات موضوعه در سایر کشورها، فرض مسئولیت مطلق را که از لحاظ مبنایی بر نظریات متقنی استوار است جایگزین فرض مسئولیت قانونی نماید. همچنین با انجام اصلاحات و در نظر گرفتن سازوکارهایی، ضمن رفع ابهام در تبیین و تفسیر فرض تقصیر در ماده مذکور و افزایش دامنه شمولیت آن، پاسخگوی جرائم تقصیری به وجود آمده در این زمینه نیز باشد.

فهرست منابع

- ابوالحسنی، حسین (۱۳۹۶). مسئولیت کیفری بدون اثبات تقصیر در نظام حقوقی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، نراق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی، جلد ۲، چاپ سی‌ونهم، تهران: نشر میزان.
- آزمایش، سید علی (۱۳۸۳). سخنرانی در دانشگاه مفید.
- آشوری، محمد و لشکری، آذر (۱۴۰۰). «بازپژوهی جرائم مادی صرف؛ مطالعه تطبیقی ایران و آمریکا»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۸.
- برادران روحانی، آزاده (۱۳۹۴). مسئولیت کیفری نیابتی در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، شاهرود، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات.
- جانی‌پور، مجتبی و عباسی، مراد (۱۳۹۲). «بررسی مسئولیت مطلق از منظر حقوق کیفری و فقه امامیه با تأکید بر مسئولیت پزشک»، نشریه فقه و حقوق اسلامی، سال ۳، شماره ۶.
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۶). «بازاندیشی در مفهوم مسئولیت کیفری فعل غیر»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال ۶، شماره ۲۰.
- جلیلی، امید (۱۳۷۷). «قواعد تفسیر قوانین جزایی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، پیاپی ۱۰۵۴.
- حبیب پور تهمتن، ساسان (۱۳۹۸). مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- خدادادی، ابوالقاسم و خالدی، علی (۱۴۰۰). «بسط نظریه تقصیر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، دوره ۱، شماره ۱.
- خرمدل، رحمان (۱۳۸۹). مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه پیام‌نور مرکز تهران.
- خصالی، حانیه (۱۳۹۷). مبانی مسئولیت مطلق کیفری در جرائم خسارت اجتماعی محور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، قم، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی تهران.
- رضاپور، لیلا (۱۳۹۱). مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام حقوقی ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام‌نور مرکز تهران جنوب.
- رنجبر، حسین (۱۳۹۵). مسئولیت کیفری نیابتی، چاپ دوم، تهران: نشر شهر دانش.
- شمس ناتری، محمدابراهیم (نیمسال اول ۱۳۹۹-۱۳۹۸). تقریرات درس جزای عمومی، دوره دکتری، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران.
- شمس ناتری، محمدابراهیم و دیگران (۱۳۹۶). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی؛ حقوق جزای عمومی، جلد ۱، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.

- عبداللهی، اسماعیل (۱۳۸۶). مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی انگلستان و ایران، پایان‌نامه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- عبداللهی، اسماعیل (۱۳۹۳). مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، چاپ سوم، تهران: نشر خرسندی.
- قماش، سعید و متقی اردکانی، امید (۱۳۹۹). «اهداف مجازات در پرتو پارادایم رفتارگرا»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸، شماره ۳۰.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ وقایع حقوقی، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار
- کشاوری جافجیری، پژمان (۱۳۸۱). مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در حقوق ایران و حقوق تطبیقی؛ انگلستان و فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- محمدی، حمید (۱۳۹۵). مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق کیفری ایران و مصر، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
- محمدی، حمید (۱۳۹۷). «معیار مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر در نظام کیفری ایران و مصر»، پژوهش حقوق کیفری، سال ۶، شماره ۲۴.
- میلانی، علیرضا و عبدالکریمی، مصطفی (۱۳۹۴). «درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر»، نشریه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱.
- البت، کاترین و کوئین، فرانسیس (۱۳۹۳). حقوق جزا، ترجمه: آوا واحدی نوایی و نسترن غضنفری، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.

In Persian

- Abdollahi, Esmaeil (2014), *Criminal Liability Without Fault in the Legal Systems of Iran and England*, Third Edition, Tehran: Khorsandi Press.
- Abdollahi, Esmaeil (2007), *Criminal Liability Without Fault in the Legal Systems of England and Iran*, PhD Thesis in Criminal Law and Criminology, Tehran, Faculty of Law, Shahid Beheshti University.
- Abolhasani, Hossein (2017), *Criminal Liability Without Proof of Fault in the Iranian Legal System*, Master's Thesis in Criminal Law and Criminology, Naragh, Faculty of Humanities, Azad University, Research Sciences Branch.
- Ardebili, Mohammad-Ali (2015), *General Criminal Law*, Volume 2, 39TH Edition, Tehran: Mizan Press.
- Ashouri, Mohammad and Lashkari, Azar (2011), "Re-examination of Strict Liability Crimes; A Comparative Study of Iran and America", *Journal of Private and Criminal Law Research*, No. 48.
- Azemayesh, Sayyed Ali (2004), Lecture at Mofid University.
- Elliot, Catherine and Queen, Francis (2014), *Criminal Law*, Translated by Ava Vahedi Navai and Nastaran Ghazanfari, Third Edition, Tehran: Mizan Press.
- Habibpour-Tahmatan, Sasan (2019), *Criminal Liability Arising from the Act of Another in Iranian law*, Master's Thesis in Criminal Law and Criminology, Tehran, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran.
- Ghamshi, Saeed and Mottaqi Ardakani, Omid (2019), "Punishment Objectives in the Light of the Behaviorist Paradigm", *Criminal Law Research Quarterly*, 8 (30), 83-108.

- Jafari, Mojtaba (2017), "Rethinking the Concept of Criminal Liability for the Act of Another", *Criminal Law Research Quarterly*, 6 (20), 173-200.
- Jalili, Omid (2018), "Rules for the Interpretation of Criminal Laws", *Journal of the Faculty of Law and Political Sciences*, University of Tehran, 41 (1054), 9-53.
- Janipour, Mojtaba and Abbasi, Morad (2013), "A Study of Strict Liability from the Perspective of Criminal Law and Islamic Jurisprudence, With Emphasis on Physician Liability", *Islamic Jurisprudence and Law Journal*, 3 (6), 23-53.
- Katouzian, Naser (2008), *Introductory Course in Civil Law; Legal Events*, First Edition, Tehran: Joint Stock Company Press.
- Keshavarz Jafjiri, Pejman (2002), *Criminal Liability Arising from the Behavior of Another in Iranian Law and Comparative Law; England and France*, Master's Thesis in Criminal Law and Criminology, Tehran, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran.
- Khasali, Hanieh (2018), *Principles of Strict Criminal Liability in Social Damage-oriented Crimes*, Master's Thesis in Criminal Law and Criminology, Qom, Faculty of Law, Farabi College, Tehran.
- Khodadadi, Abolghasem and Khalidi, Ali (2021), 'Expansion of the Theory of Fault in the Islamic Penal Code Approved in 2013', *Quarterly of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1 (1), 84-97.
- Khoramdel, Rahman (2010), *Criminal Liability Resulting from Other's Act in Iranian and English Law*, Master's Thesis in Criminal Law and Criminology, Tehran, Payam Noor University, Tehran Center.
- Milani, Alireza and Abdolkarimi, Mustafa (2015), "An Introduction to Criminal Liability Without Fault", *Journal of Social Science Studies*, 1(1), 72-88.
- Mohammadi, Hamid (2016), *Criminal Liability Resulting from Other's Act in the Criminal Law of Iran and Egypt*, First Edition, Tehran: Ganj-E-Danesh Press.
- Mohammadi, Hamid (2018), "Criterion of Criminal Liability for the Act of Another in the Criminal System of Iran and Egypt", *Criminal Law Research*, Year 6, Issue 24.
- Ranjbar, Hossein (2016), *Vicarious Criminal Liability*, Second Edition, Tehran: Shahr-E-Danesh Press.
- Rezapour, Leila (2012), *Criminal Liability Without Fault in the Legal System of Iran and England*, Master's Thesis of Criminal Law and Criminology, Tehran, Faculty of Humanities, Payam Noor University, South Tehran Center.
- Rouhani Brothers, Azadeh (2015), *Vicarious Criminal Liability in Iranian and English Law*, Master's Thesis in Criminal Law and Criminology, Shahrood, Azad University, Research Sciences Branch.
- Shams-E-Natri, Mohammad-Ebrahim (First Semester 2019-2020), *Lectures on General Penal Code*, Doctoral Course, Faculty of Law, University Tehran, Farabi College.
- Shams-E-Natri, Mohammad-Ebrahim and et. al. (2017), *Islamic Penal Code in the Current Legal System; General Criminal Law*, Volume 1, Fourth Edition, Tehran: Mizan Press.